

Hybrid Literature, Chicano Literature and The Role of Translator as Social Activist in Their Translation

Jeiran Moghaddam*

Abstract

Today, postcolonial discourse is considered as one of the most important approaches to the humanities, including translation studies. Confronting the hierarchical structure imposed by discourses with symbolic, repressive power to marginalize and take away the voice of the discourses which lack such power has turned into a battle to regain this lost voice of the "other". One of the fighting ways is creating hybrid literature as a part of Resistance literature in which the "other" is present in the text with its own language and its own self without transformation. Along with the creators of hybrid texts, one of the most critical front lines of this battle belongs to the translators who are involved in a consistent challenge as social activists. On one hand with the text and on the other hand with the target community's structure which aims to maintain the existing hierarchical structure. In this article, after having defined hybrid texts, we will try to present strategies for active translators in the battle against eliminating the minority in the world of capitalist discourse, by providing translation examples of the Chicano language, the language of Mexican immigrants in the U.S.A.

Keywords: Translation Studies, Hybrid Literature, Postcolonialism, Chicano Language, Minority.

* Assistant Professor, Department of Spanish, Faculty of Persian Literature and Foreign Language,
Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, jmoghaddam@atu.ac.ir

Date received: 16/07/2022, Date of acceptance: 22/10/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

متون التقاطی، ادبیات چیکانو و نقش مترجم به عنوان کنش‌گر اجتماعی در فرایند ترجمه آن‌ها^۱

جیران مقدم چرکاری*

چکیده

امروز، یکی از راه‌های مبارزه فرهنگی علیه انقیاد پسا استعماری، استفاده از ادبیات التقاطی است که در آن خالقان و بازنویسان این نوع متن، در کنار هم در چالشی مدام برای جلوگیری از حذف گفتمانی هستند که متعلق به اقلیت زبانی، فرهنگی و گفتمانی در بافتاریست که در آن اکثریتی صاحب ثروت و قدرت گفتمان نمادین در تلاش برای حذف دیگری و تثبیت خویش‌نویسی خویش است. در این مقاله، تلاش بر این است تا با ذکر مثال‌هایی از زبان چیکانو، زبان مهاجران مکزیکی به ایالات متحده آمریکا، راهکارهایی به مترجم، به عنوان کنشگر در مبارزه با حذف التقاط و تلاش برای وارد کردن صدای اقلیت خاموش به جهان گفتمان سرمایه‌داری، ارائه دهیم.

کلیدواژه‌ها: مطالعات ترجمه، ادبیات التقاطی، پسا استعمار، زبان چیکانو، اقلیت.

۱. مقدمه

۱.۱ التقاط و متون التقاطی

لغت التقاط-هیبریدی- گرچه نخستین بار به عنوان واژه‌ای در حوزه زیست‌شناسی برای نامیدن موجوداتی با اصلیت چند رگه زاده شد، با گذر زمان و به وجود آمدن مطالعات

* استادیار زبان و ادبیات اسپانیایی، دکترای ترجمه، ترجمه شفاهی و ترجمه‌شناسی، عضو هیات علمی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، jmoghaddam@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۳۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

فرهنگی و تاثیر آنها بر تمام فضاهای تحقیقی، معنایی دیگر یافت و تبدیل شد به «اصطلاحی برای اشاره به درهم آمیختن زبانها و فرهنگها در متن». (فرحزاد ۱۳۹۴: ذیل مدخل هیبریدی)

دراکثر جوامع امروز. التقاط به معنای چندگانگی زبانی و فرهنگیست. یعنی الزاما التقاط بین دو یا چند جامعه شکل نمیگیرد و میتواند درون یک جامعه نیز اتفاق بیفتد. خرده جوامع موجود درون یک جامعه ی مادریا میزبان و عموما سرمایه دار یا دارای سرمایه ی نمادین - بدیهی ترین اشکال جامعه ی التقاطی هستند. تولید متن آسان نیست. درواقع درون هر جامعه دیاسپوراها ی- که به معنای جامعه یا بافتار شکل گرفته در غربت است - متعددی شکل گرفته اند که با یکدیگر و نیز با ویژگیهای جامعه میزبان، که پیش از شکل گیری دیاسپوراها وجود داشته اند و در مقابل این تغییر مقاومت میکنند، درارتباط و چالش هستند تا حدی که تشخیص و طبقه بندی آنها در عمل بسیار پیچیده است.

نباید فراموش کنیم نه تولد همه ی متون التقاطی در محیط دیاسپورا اتفاق می افتد و نه متون تولید شده در غربت لزوما متونی التقاطی هستند. «متون التقاطی میتوانند درون فضایی بین خویش و دیگری شکل بگیرند که این دیگری میتواند بیگانه ای نه لزوما از زبان یا ملیت متفاوت بلکه از طبقه، لهجه، درآمد، موقعیت اجتماعی یا اعتقادی دیگری در همان جامعه آمده باشد.» (کلیفورد ۱۹۹۹: ۵۴)

نقشه ی استعماری جهان پس از پایان جنگ جهانی دوم تغییر زیادی کرد، تسلط کشورهای استعمارگر کمکم فرو ریخت و حدود ۴۰ کشور روی کاغذ سرنوشت خود را به دست گرفتند، این جریان استقلال و بیرون راندن استعمار گران تا سال هفتاد و پنج طول کشید. اما آیا این رابطه ی فرادست و فرودست، استعمارگر و استعمار شده و ... در شکل گفتمانی خود نیز به پایان رسید؟

از خود بیگانگی زبانی و فرهنگی استعمار شده، تحمیل مفهوم دو سویه ی مرکز و حاشیه، از شکل افتادگی و (باز) ساختن هویت، جریانهای مهاجرت، چند رگه بودن نژادی از جمله تجاربی هستند که بر زندگی ملیونها نفر و همچنین بر فرهنگ جهانی تاثیر گذاشته اند.

مطالعه ی این اسارت گاه پیدا و ملموس، گاه نهان و نمادین که " مطالعات پسا استعماری در چارچوب مطالعات فرهنگی و دارای ویژگی میان فرهنگی " قلمداد

متون التقاطی، ادبیات چیکانو و نقش مترجم ... (جبران مقدم چرکاری) ۱۴۵

میشوند، در دهه های اخیر روز به روز بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند. (اورتادو البیر
۶۲۵:۲۰۰۱)

درنگاه سنتی و معمول، ادبیات مغلوب در یک محیط التقاطی خود را از نگاه
استعمارگر فرهنگی باز میتاباند. این آثار دچار فقدان گفتمان شخصی هستند. تصاویر و تعاریف
مربوط به آنها همیشه از نگاه استعمارگر که صاحبان قدرت گفتمانی است به عنوان حقیقت
تعریف کرده اند. روایت میشود به این ترتیب آنها از هر معنایی تهی میشوند و دیگر
نقش‌افزین اصلی تاریخ خود نیستند بلکه تاریخشان در رابطه با فاتحین سلطه گران مادی یا
معنوی همچون انعکاسی از یک من مرکزی تعریف میشود. چرا که مطالعه ی مورد استعمار
قرار گرفته از چشمان استعمارگر سبب می شود چنان که بابا میگوید «دیگری قدرت
معنایی، قدرت چانه زنی، نفی و شروع، آرزوهای تاریخی خود و قدرت برقرار کردن
گفتمان خود را از دست بدهد.» (بابا ۲۰۰۴: ۳۲)

هر چند هنوز تا برابری این خود و دیگری و رسیدن به نقطه ی ایده آل که در آن
خواننده «از موقعیت مفعول به فاعل تغییر مکان میدهد.» (سالس و پیتو ۲۰۰۶: ۱۸) راه
درازی مانده است.

در این مقاله تلاش میشود متون التقاطی از زاویه ای نوین به تماشا گذاشته شوند و
درباره ی نقش وادبی و اجتماعی مترجم و نیز وظایف وی که اجمالا بدانها اشاره شد
تعریفی مبسوط ارائه شود. اکنون، پس از تعریف التقاط و متون التقاطی، پس از نگاهی به
ترجمه در جهان معاصر و ترجمه در ایران، با ذکر مثال هایی از ترجمه از زبان چیکانا، زبان
مهاجران مکزیکی به ایالات متحده ی امریکا، راهکارهایی به مترجم، به عنوان کنشگر در
مبارزه با حذف التقاط و برقراری تعادل بین خود و دیگری در ترجمه ی متون التقاطی
ارائه شود. در واقع، در این مقاله تلاش خواهد شد نمونه هایی از راهکارهای ممکن که متن
ترجمه شده را بین دو نقطه ی انتهایی طیف ترجمه، یعنی بیگانه زدایی و آشنایی زدایی
قرار می دهد مقابل خواننده به نمایش در بیاید و فواید و معایب هر یک بصورت ضمنی
مورد مطالعه قرار گیرد. مثلهایی که در اینجا مورد مذاقه قرار گرفته اند، از زبان چیکانا
انتخاب شده اند و متعلق به دو رمان " آب نبات خالص " اثر لیلیانا بالنزوئلا و "خانه ی
ارغوانی من، رنگ یک زبان و یک تاریخ است" اثر ساندراسیسنروس هستند. هر دوی این
رمانها به زبان چیکانو نوشته شده اند که مربوط به جوامعی است که در آن، انگلیسی زبان

اکثریت و اسپانیایی زبان اقلیت است. اما پیش از آن تعریفی از زبان چیکانو ارائه میشود تا خوانندگان با این زبان آشنایی ای هر چند اندک بیابند.

کلمه ی چیکانو، بنا بر توضیح لوئیس لئال، متخصص این نوع ادبیات (لئال و فونتس ۱۹۹۸: ۴۵) از کلمه ی مکزیکو ریشه گرفته است. در واقع کلمه ی چیکانو کلمه ی تحقیرآمیزی بود که به مکزیکی الاصل هایی اتلاق میشد که در ایالات متحده به دنیا آمده بودند. در حدود ۱۹۶۰ جنبش چیکانوها عمدا این کلمه را برگزید و از آن خود ساخت. اعضای این جنبش این نام را برگزیدند تا نشان دهند از داشتن پدران و مادرانی که مهاجر مکزیکی هستند، به خود می بالند و از ریشه های خود شرم ندارند. ترجمه ی آثار گروه نویسندگانی که متعلق به اقلیت در غربت هستند، من جمله ادبیات چیکانو، در سالهای اخیر یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در ترجمه بوده است. این مقاله در حقیقت به بخشی از متون التقاطی می پردازد که صدای اقلیت های نژادی، قومی و مذهبی در مواجهه با استعمار و انقیاد نمادین را منعکس میکنند. و راهکارهایی برای خود بودن و روایت خویشتن خویش را به مترجم ارائه میدهد.

۲. زبان، خود و دیگری

زبان، سلاحی مهم در نبرد برای کسب قدرت نمادین است. مثلا از برد ژولیوس سزار با فرانسوی‌ها ما تنها روایتی که داریم روایت رومیهاست. هیچکس تا کنون به خود زحمت نداده عقیده ی فرانسویها را در این باره بداند. تنها روایتی که از جناح فرانسوی در این باره وجود دارد مجموعه کمیک استریکس و ابلیکس است.» (تالنس ۲۰۰۱: ۱۲۰)

مفهوم هویت که مفهوم مهمی در این حیطه است را نیز میتوان در اینجا تعریف کرد. هویت به این باز میگردد که ما خودمان خودمان را چگونه میبینیم و چگونه می فهمیم. بحث هویت در فضای استعماری و پسااستعماری توسط سعید برای نخستین بار ۱۹۷۸، مطرح شد و توسط گرگوری در ۱۹۹۵، پایپل و تریفت در ۱۹۹۵، کاستلز در ۱۹۹۷ و مارتین در ۲۰۰۵ تدقیق و تکمیل شد. از آنجا که «هر کس به صورت بالقوه به شناختی شخصی و یگانه از اطرافش میرسد و این شناخت توسط عوامل ذهنی و عینی ای رقم می خورد که فرد را احاطه و به خویشتن خویش آگاه کرده اند.» (مرسر ۱۹۸۸: ۱۰۲) این هویت و آگاهی از خویشتن خویش عموما نتیجه ی تعریف و نگاه نیست که صاحبان

قدرت گفتمانی به فرد تحمیل میکنند. یعنی شناخت خویشتن در انقیاد گفتمانی و از دریچه چشم صاحبان قدرت گفتمانی وقوع می یابد. زبان به ما اجازه می دهد به چیزها و به خودمان معنا ببخشیم و ما را میفریبد بیش از هر چیز، به خاطر اینکه تکه هایی از "دیگری" در بودن ما بر جای میگذارد. «برای همین اینقدر مهم است که هنگام ترجمه و هنگام برخورد با تفاوت های فرهنگی کاملاً متمرکز باشیم چون این تنها صورتیست که میتوانیم بینیم این آثار چگونه در چانه زنیها و تبادل قدرت در تفاوت های فرهنگی عمل میکنند.» (بابا ۱۹۹۴: ۹)

۳. ترجمه و پیشینه پژوهش های مربوط به متون التقاطی در این زمینه

۱.۳ ترجمه چیست؟

در این مقاله، وقتی از ترجمه صحبت میکنیم در واقع مفهومی اجتماعی از آن را مدنظر داریم. «ترجمه، در تعریف مدرن آن، یعنی به عنوان فرایند انتخاب المانی کتبی، شفاهی، حرکتی و...، برداشت شده از یک بافتار فرهنگی مبدا و تبدیل آن به محصولی کتبی، شفاهی و در بافتار فرهنگی مقصد است.» (الوارز و ویدال ۱۹۹۵: ۶۰)

این تعریف از ترجمه ما را به سمت نظریه پردازان مطالعات ترجمه میبرد که به ترجمه به عنوان فرایند و محصولی مبنگرند که با تغییرات اجتماعی و شناخت فرامتنی ارتباط تنگاتنگی دارد. نظریه پردازان مطالعات ترجمه بر این باورند که «ترجمه روایتی اجتماعی از معناست؛ معادل مطلق از ترجمه وجود ندارد و یک متن میتواند به تعداد خوانندگانش ترجمه های متفاوت داشته باشد.» (ویدال ۲۰۱۴: ۳۴) اهمیت ترجمه در این دیدگاه در بستر اجتماعی دریافت کننده، نه به ارزش ذاتی آن که اصولاً مفهومی مبهم و نسبیست بلکه به روابط قدرتی وابسته است که گفتمان آن را شکل میدهند.

در عین حال باید تاکید کنیم که مفهوم ترجمه در مطالعات نوین، بسیار گسترده تر از صرف ترجمه متن به متن است. غارنگاره های نخستین، ارتباط از طریق اصوات یا اشکال که تمامشان را میتوان ترجمه دانست، در واقع به ما نشان می دهند بازگرداندن متن به متن تنها بخش کوچکی از ترجمه است. آلوارز و ویدال در کتاب ترجمه، قدرت و سلطه این مطلب را به طرز شایسته ای خلاصه میکنند:

از ترجمه همیشه نوعی توازن ناپایدار مستفاد میشود، آن هم بین قدرتی که یک فرهنگ بر فرهنگی دیگر میتواند اعمال کند. ترجمه محصول یک متن معادل با متنی دیگر نیست، بلکه سیر پیچیده‌ی بازنوشتنی است که، علاوه بر دیدگاه کلی درباره‌ی زبان و دیدگاهی که قوم و ملتی «دیگر» در سراسر تاریخ داشته اند، با تأثیر و موازنه قدرت موجود بین یک فرهنگ با فرهنگ دیگر هم مناسبت و مشابهت دارد. (آلوارز و ویدال ۱۹۹۶: ۱۰)

لفور و بسنت نیز در کتاب ساختن فرهنگ، تأکید بر این دارند که «ترجمه، مثل تمام بازنویسی‌ها، هرگز بیگناها نه نیست.» (لفور و بسنت ۱۹۹۸: ۱۱)

ادوین گنتزل نیز به نوبه‌ی خود استدلال میکند دیدگاه‌های مربوط به ترجمه پژوهی و ترجمه فرهنگی چندان از یکدیگر جدا نیستند. افسانه‌ی مربوط به شخص مترجم در مقام فرد خنثی یا نوعی صافی ناهمسان از بین رفته است و تصویر مترجم عبد عیید جای خود را اندک اندک به مترجمی داده است که در انتقال متون نیروی فعالی است. دست آخر، هم‌چنان که گنتزل با قطع و یقین میگوید، این نکته جای بحث ندارد که ترجمه‌ی پسااستعماری بر تعاریف ما مبنی بر اینکه ترجمه چیست و چه میکند تأثیر گذاشته است:

ترجمه‌ی پسااستعماری به معنای نوعی بازگشت به حالت ماهیت گریانه و پیشاستعماری نیست، بلکه لازمه‌ی آن رویارویی بسیار نقش با اوضاع و احوال تازه است، و مترجمان امروزی به امتزاج بافتارها و عقاید و اطلاعات و زبانها روزبه‌روز مشتاق تر میشوند... عرصه‌ی پیوند معنای تازه میسر میشود؛ مرزهای تازه پیش‌رو می‌آید و درنوردیده میشود و بیشتر اوقات، هم نتایج بدست می‌آید که عجیب خلّاق است. (گنتزل و تیموچکو ۲۰۰۲: ۲۱۷)

مترجم به عنوان کنشگر اجتماعی، نقش خود را به عنوان صدای کسانی که صدایی برای سخن گفتن در روابط قدرت گفتمانی ندارند تعریف، و تلاش میکند صدای اقلیتی باشد که سکوتش به نفع روابط مبتنی بر سرمایه و سود است. جهانی که امروزه در آن زندگی می‌کنیم، گرچه در آن از التقاط بسیار سخن میرود، در عمل نگرشهای نوی ضدسرمایه داری در آن راهی بسیار دشوار در پیش دارند چرا که نه فقط از سوی سلطه‌گران صاحب سرمایه و قدرت قابل لمس و بلکه از سوی صاحبان سرمایه و قدرت نمادین که در حفظ گفتمان سلطه و همسان سازی تمام گفتمان‌ها تحت نام جهانی سازی تلاش می‌ورزند

نیز تحت فشار قرار میگیرد. تعریف سرمایه داری از جهانی سازی در واقع از بین بردن دیگری اقلیت یا مبارزه با هر گفتمان نوینی است که با منفعت استعمار نوین به عنوان گفتمان غالب غیر همسو باشد.

گذشته از سلسله مراتب مجزای زبانی، سلسله مراتب مجزای قدرت نیز بین نظام‌های فرهنگی و ادبی در کار می‌آید. بعضی از فرهنگها را حاشیه ای و بعضی دیگر را مرکزی می‌انگارند، بعضی را این چنین در نظر میگیرند که ترجمه ادبی دیرپا و جافتاده‌ای دارند و بعضی دیگر ندارند. در چنین دیدگاهی عواملی دخیل است که، به جای این که هنری باشد، سیاسی است، همچنان که در مهین و کهنین انگاشتن زبانها پای ایدئولوژی در میان است. پایبست چنین نظراتی روابط قدرت است و نقش زبان، در بحث مربوط به فرهنگ و قدرت، اساسی است و لازم است بدانیم در موازنه روابط قدرت گفتمانی در بافتار مبدا و مقصد، ما با التقاط فرهنگی و التقاط متنی مواجه هستیم.

همان‌طور که گفته شد ترجمه را نمیتوان بصورت یک رابطه ی خطی بین زبان مبدا و مقصد تعریف کرد چون در حیطه های زیادی از انواع کتبی یا شفاهی و ... از آن استفاده می‌کنیم و در هر یک از این حیطه ها در نظر گرفتن عوامل بسیاری علاوه بر زبان، برای به انجام رساندن عمل ترجمه لازم است. برای درک صحیح مفهوم ترجمه در مکتب مطالعات ترجمه، باید از یک سو فرایند ترجمه و از سوی دیگر محصول این فرایند را مدنظر قرار دهیم و تلاش کنیم شرایط تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که بر روش و محصول ترجمه تاثیر گذاشته اند دریابیم. چرا که ترجمه «در خلا اتفاق نمی افتد بلکه در یک پیوستار زنجیره ای به وقوع می پیوندد.» (بسنن و تریودی ۱۹۹۹: ۲۳). در هنگام مطالعه اثر ترجمه شده نیز باید این مهم را در ذهن داشته باشیم که متنی که پیش رو داریم توسط مترجم یا بعضا زنجیره ای از مترجم ها به زبان ما برگردانده شده است، اما مترجم یا زنجیره مترجمین تنها افراد تاثیر گذار بر فرایند ترجمه و محصول آن نبوده اند. چنانکه لفسور می‌گوید، ناشرین به عنوان حامیان مالی اثر و متخصصین (اساتید دانشگاه، روزنامه‌نگاران و منتقدین متون، خوانندگان حرفه ای) که سلیقه ی عمومی جامعه را شکل می‌دهند نیز عمیقا بر شکل گیری متن و انتخابهای مترجم تاثیر می‌گذارند چراکه مترجم تمایل دارد ترجمه اش دیده و خوانده شود چون از یک سو به فروش کتاب از نظر

مالی و از سوی دیگر به اعتبار نمادین برای کارهای آینده نیازمند است. مطالعات ترجمه، دانش و شناختی که ما از جهان داریم را تغییر می‌دهد. ونوتی تدقیق میکند که

ترجمه ارتباط بین دو نفر با موقعیت برابر نیست بلکه ارتباطی است که از روابط قدرت و کنترل بین زبان گروهی که قدرت را در دست دارند و به دنبال همسان سازی هستند از یک سو و زبان اقلیتی که از استانداردهای موجود و قواعد جهانی منحرف می‌شوند از سوی دیگر، نشأت می‌گیرد. (ونوتی ۱۹۹۸: ۱۱)

ونوتی در صفحه ۱۳۶ کتاب "رسوایی ترجمه" این عمل را بصورت طیفی در نظر می‌گیرد که در یک سر آن مترجم ناپیدا و در سر دیگر مترجم پیدا قرار گرفته‌اند. بر طبق نظریه او تمام ترجمه‌ها در فضایی بین این دو صورت می‌گیرند. مترجم ناپیدا، متنی تولید میکند که تمامی نشانه‌های دیگری در آن حذف گشته و متن به گونه‌ای بازنویسی شده که گویی اثری خلق شده در زبان مقصد است. مترجم پیدا اما متن را وابسته به زبان مبدا ترجمه میکند به گونه‌ای که درک و دریافت آن بدون تفکر و جستجو برای خواننده‌ای که شناختی از زبان مبدا ندارد، تقریباً ناممکن است. او در پی تعلیم خواننده‌ای جویا و نه صرفاً ناظر اثر در قالب خواننده‌ی منفعل است.

ترجمه‌ی متون التقاطی دقیقاً در همین انتخاب مکان با مشکلات عدیده‌ای مثل اینکه ترجمه در کجای محور/طیف بین ترجمه پیدا و ناپیدا قرار می‌گیرد و اینکه جایگزین کلمات متن التقاطی با چه نظم و شناختی از زبان و بافتار از زبانی که به آن ترجمه می‌کنیم انتخاب می‌شوند، روبروست. آیا ترجمه‌ی ناپیدا اثر اولیه را قربانی آمار بالای خواننده نمی‌کند؟ و آیا ترجمه‌ی پیدا کسانی که خواننده‌های حرفه‌ای حساب نمی‌شوند را از درک اثر محروم نمی‌گرداند؟

۲.۳ پیشینه ترجمه و پژوهش‌های ترجمه در ایران

ایران نیز همچون بسیاری کشورها با اینکه هرگز مستعمره‌ی هیچ کشوری نبوده است، از گفتمان استعماری و پسااستعماری در ادوار مختلف تاثیر پذیرفته است. مهمترین زبانی که تعاملات ترجمه بصورت انبوه با فارسی برقرار کرد زبان عربی بود که توسط مسلمانان وارد ایران شد.

نخستین مترجمان تحصیل کرده در ایران دانشجویان یا فارغ التحصیلان دارالفنون بودند که به ابتکار امیرکبیر در سال ۱۲۳۰ خورشیدی (۱۸۵۱ میلادی) پایه گذاری شده بود، این دسته نیز عموماً تحت تسلط همین اندیشه‌ی خود کم‌بینی تحمیل شده و تمایل به واردکردن انواع و اقسام اصطلاحات خارجی به متون ترجمه شده به فارسی برای بالا بردن و ارزشمند کردن ترجمه‌ی خود داشتند چرا که در آن دوران، فرنگی مآبی نشانه‌ی سواد بود و یکی از ارکان این فرنگی مآبی که متاسفانه امروز در زبان ما بسیار به چشم می‌خورد، همین استفاده بی‌رویه و رو به افزایش لغات خارجی ناشی از استعمار فرهنگی است. حتی امروز نیز زبان گفتمان نخبگان ایرانی همچنان تحت انقیاد زبان‌های خارجی اعم از انگلیسی، فرانسه و ... است.

پژوهش دانشگاهی در حیطه‌ی متون التقاطی در ایران انگشت شمار است. مطالعات ترجمه در ایران هنوز مبحث نوینی است و با توجه به تعداد اندک اساتید این رشته و هجمه رشته‌های قدیمی‌تر که تلاش دارند مطالعات ترجمه را زیر شاخه‌ای از خود قلمداد کنند عملاً فرصت و فضایی حتی برای تبیین اصول اولیه‌ی این مطالعات باقی نگذاشته است و لذا طبیعتاً که مطالعات ترجمه در ایران تا کنون به صورت درخور به مسائلی مثل ترجمه متون التقاطی ورود نکرده است.

«ترجمه به هیچ عنوان وفادارانه نیست بلکه عمل انتخاب آگاهانه و عامدانه است.»
(تیموچکو و گنتز لر ۲۰۰۲: ۶۰)

ترجمه یک بازتولید متنی صرف هم نیست مترجم همواره در موقعیت مرزی و خط مقدم نبرد نمادین تبادل فرهنگی ایستاده است و باید به خوبی بداند ویژگی کار وی معرفی روایتی از اثر است که پس از اتمام کار توسط متخصصین و ناشر و بعد خوانندگان ارزش مند و پرمحتوا شمرده شود.

در اولین نگاه و آنچه عموماً خواننده‌ی غیر حرفه‌ای فرض میکند، اینست که ترجمه متنیست از فضایی تک بعدی به زبان غریبه که مترجم آن را انتخاب میکند و به وفادارترین شکل ممکن به فضای تک بعدی خواننده وارد میکند. در صورتی که متن برگزیده شده عموماً از فضای اولیه چند بعدی به فضای ثانویه که فضای مرکب و چندگانه است ترجمه می‌شود و عموماً فقط کدهای زبان مقصد در آن لحاظ میشوند، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و اجزا و ساختارهایی که در متن اولیه نامناسب یا نامتناسب تشخیص

داده می‌شوند توسط مترجم به نفع گفتمان مقصد حذف می‌شوند. خواننده‌ی غیر حرفه‌ای متوجه نیست که متنی که پیش رو دارد متنی است گذشته از هزارتوی ایدئولوژی، روابط قدرت، ترجیحات گفتمانی و گذشته است و متن را صرفاً ترکیب کلمات می‌بیند. و اگر متن به زبانی که می‌شناسد روان نوشته شده باشد، آن را به عنوان ترجمه خوب طبقه‌بندی می‌کند.

۴. ترجمه متون التقاطی

۱.۴ مروری نظری بر ترجمه متون التقاطی

ترجمه‌ی آثار گروه نویسندگانی که متعلق به اقلیت در غربت هستند، در سالهای اخیر یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در ترجمه بوده است. این مقاله نیز به آن دسته از متون التقاطی می‌پردازد که صدای اقلیت‌های نژادی، قومی و مذهبی در مواجهه با استعمار و انقیاد نمادین را منعکس می‌کنند.

مترجم متون التقاطی مترجمیست که ریسکها و مسئولیت‌های بسیاری را پذیرفته است. او باید کاملاً هشیار باشد و بداند:

هرگز قادر به باز آفرینی ترجمه‌ای دقیقاً مثل متن اصلی نیست چرا که از یک سو می‌باید به تعداد خوانندگان یک اثر ترجمه شده توجه داشته باشد و از سوی دیگر مراقب باشد تا بتواند در دفاع از ترجمه‌اش آن ترجمه خود آن را یک عمل بیگانه‌انه و یک بازتولید وفادارانه معرفی کند. (بالزوتلا ارسه ۲۰۰۲: ۱۴۴)

راهکارهای بسیاری برای ترجمه متون التقاطی وجود دارد. در بخش قبل، بیان کردیم که ترجمه‌ی متون در این تحقیق به عنوان فرایندی میان فرهنگی و نه میان متنی مورد مذاقه و تحلیل قرار می‌گیرد. به عنوان مترجم و محقق، هنگام خواندن متن و ترجمه آن باید توجه داشته باشیم، متن در طول فرایند ترجمه، قربانی ویژگیهای زیبایی شناختی بافتار مقصد نشود و در حفظ نشانه‌های "دیگری" یعنی کسی که از آن ترجمه می‌کنیم، نهایت اهتمام را به عمل آوریم. مطابق این فرضیه، مترجم متون التقاطی در یک بافتار پسااستعماری، چه در مورد التقاط زبانی و چه فرهنگی باید تلاش کند تصمیماتش کلیشه خود مرکز پنداری فرهنگی زبانی (از سوی استعمارگر) را باز تولید نکند و سبب نابودی

تدریجی زبان و فرهنگ فرودست و تحت سلطه‌ی نمادین نشود و در عوض سعی بر زنده نگه‌داشتن "دیگری" موجود در متن اولیه داشته باشد. به عبارت دیگر، مترجم نه فقط حق، بلکه اجبار اخلاقی دارد اینگونه عمل کند تا دایما مرزهایی که حاشیه را از مرکز جدا می‌کنند تخریب کند و تلاش کند خلاف حرکت استعمار گفتمانی و نمادین که فرودستان را از مرکز به حاشیه‌ی گفتمانی و فرهنگی جامعه می‌راند، مترجم به عنوان عملی اخلاقی باید صدای اقلیت به حاشیه رانده شده باشد و تلاش کند "دیگری فرودست از نظر زبانی و فرهنگی نیز جایگاه خود را در یک گفتمان چندگانه در مرکز بیابد.

با لحاظ کردن اینکه متون تک معنا نیستند، در این نوع متون مترجم باید کاملاً به موقعیت نویسنده که در بافتار مبدا "دیگری" به حساب می‌آید آگاه باشد و در عین حال بر خویشتن خویش و موقعیتش به عنوان عنصری اجتماعی - مترجم - نیز احاطه داشته باشد. مسلماً راه‌های بیشماری برای ترجمه‌ی ادبی - در اینجا ترجمه‌ی ادبیات التقاطی - وجود دارد. هم به خاطر اینکه فاکتورهایی که بر کیفیت کار مترجم اثر می‌گذارند - از شناخت او از بافتار مبدا و ایدئولوژی انتشارات گرفته تا چیزهایی مادی تر مثل مدت زمانی که برای ترجمه در اختیار دارد یا دستمزدی که برای این کار میگیرد - بشمارند و هم به خاطر اینکه معانی یک متن به تعداد خوانندگانش است و مترجم قبل از هرچیز خواننده‌ی اثر است به گونه‌ای که «تعداد ترجمه‌ها از یک متن میتواند به تعداد مترجمین آن متن باشد، که هر یک روایت خود را از متن بیان میکنند.» (بالنزونا ارسه ۲۰۰۲: ۱۴۵)

تا اینجا در مورد نظریات ترجمه، التقاط و ترجمه‌ی التقاطی بصورت نظری صحبت شد. در گام دوم، راهکارهای عملی ترجمه میان متون التقاطی مورد بررسی قرار گرفته و همراه آن مثال‌هایی برای روش‌تر شدن مطلب قید شده است. هدف این تنوع راهکارها از سویی مترجمان-فعالان اجتماعی، را در بر میگیرند که برایشان

ترجمه چالشی دائمی و فعالیتی پویاست که می‌تواند به عنوان ابزار مقاومت مقابل استعمار نوین تعریف شود. مهم‌ترین بخش این چالش نیز ترجمه متون التقاطی است که در آن "دیگری" خود را نمایان میکند و مترجم نیز تلاش میکند این دیگری نمایان بماند و کاری کند که او در کدهای فرهنگی زبان خودی ناپدید نشود. (سالس ۲۰۰۶: ۲۸)

۲.۴ راهکارهای عملی ترجمه متون التقاطی

۱.۲.۴ ترجمه معطوف به مقصد یا ترجمه بیگانه زدا

در این نوع ترجمه که در ایران عنوان رسمی ترجمه عموماً به آن اطلاق می‌شود، کلیه ی عناصر مربوط به دیگری در آن حذف میشوند و اصطلاحات و حتی اسم‌های خاص مکان‌ها و سایر عناصر تماماً به با معادل‌هایی از زبان مقصد- فارسی- جایگزین میگردند. چنانکه گویی اثر ازآغازبه زبان مقصد نوشته شده است. یعنی به گونه ای همگن سازی در متن انجام میشود. آنتوان برمن در این باره میگوید «مساله ی اصلی در ترجمه ی رمان احترام به منطق چندگانه و بی شکل آن و اجتناب از همگن سازی خود سرانه است.» (برمن، ۱۹۸۵:۲۷۹)

۲.۲.۴ ترجمه همراه پانویس

در این مورد کلمه، عبارت یا اصطلاح مربوط به زبان اقلیت (با الفبای زبان مقصد)، در متن آورده شده و در پانویس شکل رسم الخطی، معادل یا توضیح آن اضافه میشود. این راهکار که از آن زیاد استفاده می‌شود راه حلی نسبی برای حل مشکل ترجمه ی اختلاط زبانی‌ست. ایرادی که میتوان بر آن گرفت اینست که به دلیل ارجاع مداوم به پانویس، خواننده رشته ی اثر را از دست میدهد و الزام برای اراده ی ترجمه ی کلماتی که به زبان اقلیت هستند بر هدف متن که برخورد فرهنگی با " دیگری " بعضاً غیر قابل فهم و دشواریاب است از بین می‌رود.

۳.۲.۴ ترجمه، همراه با توضیح درون متنی

این پدیده بدین صورت است که هر جا کلمه یا عبارتی متعلق به اقلیت زبانی و فرهنگی در متن اولیه وجود داشته باشد، همان کلمات بدون تغییر در متن ثانیه آورده میشوند و در همان نقطه، عموماً به شکل جمله ی دعایی ترجمه ی آن به زبان مقصد انجام شده، یا توضیحی کوتاه درباره ی آن داده میشود. در این مورد این گونه به نظر خواهد رسید که انگار خود نویسنده در متن اولیه آن کلمه یا عبارت را دوبار، یکباربه زبان اقلیت زبانی یا فرهنگی متن و یکبار به زبان اکثریت زبانی اثر نوشته است و یا توضیح کوتاهی درباره ی کلمه یا عبارت غریبه داخل متن خود ارائه داده است. گرچه از این‌ها حل در ایران

استفاده می‌شود. نباید فراموش کنیم برعکس آنچه به نظر میرسد این راه حل جزو راه‌حل‌های بیگانه زدایی است و سبب می‌شود دیگری عملاً در متن لباس مبدل خودی به تن کند. به علاوه این نوع ترجمه دو مورد از دوازده مورد روشهای از شکل اندازنده متن در فرایند ترجمه هستند که آنتوان برمن از آنها سخن گفته است: «توضیح و بسط که باید به آن‌ها آگاه بود و از آنها اجتناب کرد.» (برمن، ۱۹۸۵: ۲۱)

۴.۲.۴ آخرین راه

در واقع راه حل پیشنهادی این مقاله برای ترجمه ی متون التقاطیست. در این ترجمه، عبارت مربوط به زبان اقلیت فرهنگی یا زبانی عیناً به متن مقصد منتقل خواهد شد. در این روش، "دیگری" متن التقاطی "دیگری" میماند و آشنایی زدایی که هدف این متون است متحقق می‌شود. در حقیقت، بن مایه ی نظری این روش بر این امر استوار است که با بیگانه‌سازی، خواننده نه فقط با ادبیات یا جهانی دیگر آشنا می‌شود که دریچه ای رو به حس‌های جدید و شکل تفکری متفاوت با آنچه بدان عادت دارد نیز می‌گشاید.

از آنجا که متون التقاطی در کشور ما عملاً ناشناخته مانده اند، و مفهوم خواننده ی جست‌وجوگر و پرسشگر هنوز در جامعه ی ما متجلی نشده است، برای سهولت درک و طبعاً فروش اثر، برای آشنایی نسبی خواننده با فضای اثر میتوان در آغاز یا پایان اثر، مقدمه یا موخره ای به آن اضافه نمود و یا در نمایه ای درباره ی کلمه یا اصطلاحات مربوط به زبان اقلیت موجود در متن اولیه توضیح داد. این، یکی از راه‌های حل‌های نسبی برای ترجمه متون التقاطی است، چرا که راه حل غایی تعلیم خواننده ایست که خود به دنبال معانی و تعاریف نوین برود، خوانش خود را از اثر دارد و از این نظر به مترجم اثر وابسته نیست. از نظر روش مطالعه نیز این روش بر شیوه ی پانویس اضافه کردن ارجحیت دارد چرا که در این جا ذهن خواننده بر متن متمرکز میماند و در صورت علاقمندی پیش یا پس از اتمام اثر، میتواند به اطلاعاتی کلی درباره ی فرهنگ یا زبان التقاطی مطرح شده در اثر دست یابد.

۳.۴ نمونه‌هایی از اعمال راهکارهای ترجمه التقاطی بر متن

قبل از بخش مثالها باید تأکید کنم که این راهکارها بنا بر تجربه ی شخصی مولف به عنوان مترجم ارائه شده است، چرا که تا کنون هیچ اثر دو یا چند زبانه ای که زبان محوری یا زبان

اقلیت آن اسپانیایی باشد، به فارسی ترجمه نشده است یا در صورت ترجمه به صورت التقاطی ترجمه نشده اند و لذا به این عنوان اشتباه نیافته اند.

حال اجمالا دو مثال از رمان "آببات یا قصه ی خالص" ساندراسیسنروس، نویسنده چیکانا را بر طبق چهار مورد ذکر شده در قسمت قبل بررسی میکنیم تا ببینیم چگونه راهکارهای نظری در عمل به کار گرفته میشوند.

۱.۳.۴ مثال اول

El cuarenta y uno, Father shouts to his mother, our mother, to anyone who will listen. This means the Grandmother should punch the remote on her bedroom portable to channel 41, and Mother should turn the dial to 41 on her kitchen TV [...]» (TO: 332).

۱.۱.۳.۴ ترجمه مقصدگرا

پدرسر مادرش، سر مادرمان، سر هر کسی احيانا گوش کند داد میزند: چهل و یک. این یعنی مادر بزرگ باید کانال ۴۱ تلویزیون قابل حملش را بزند و مادر هم کانال ۴۱ تلویزیونش که در آشپزخانه است را بگیرد. در اینجا چنان که میبینیم دوزبانگی متن و به عبارت دیگر "دیگری" کاملا حذف شده و متن به صورت تک‌زبانی و تک فرهنگی ترجمه شده است.

۲.۱.۳.۴ ترجمه با پانویس

کوارنتای اونو پدرسر مادرش، سر مادرمان، سر هر کسی که احيانا گوش کند داد می‌زند. این به آن معنیست که مادر بزرگ باید کنترل کانال تلویزیون قابل حملش را روی ۴۱ تنظیم کند و مادر دکمه ی ۴۱ تلویزیونش در آشپزخانه را فشار دهد. (توضیح پانویس: پدر این عبارت را به اسپانیایی میگوید و بقیه ی جمله انگلیسی است).

با وجود تلاش برای روشن ساختن تنوع زبانی در متن پانویس به دلایلی که قبلا ذکر شد در این کار ناموفق است و در بسیاری موارد خواننده پانویس را نمیخواند تا رشته داستان را گم نکنند

متون التقاطی، ادبیات چیکانو و نقش مترجم ... (جیران مقدم چرکاری) ۱۵۷

۳.۱.۳.۴ ترجمه با توضیح درون متنی

پدر سر مادرش، سر مادرمان، سر هر کسی که احیانا گوش کند به اسپانیایی داد میزند: چهل و یک.

این به آن معنیست که مادر بزرگ باید کنترل کانال تلویزیون قابل حملش را روی ۴۱ تنظیم کند و مادر دکمه ی ۴۱ تلویزیونش در آشپزخانه را فشار دهد. ترکیب "به اسپانیایی" اضافه شده که علاوه بر بسط متن ترجمه نسبت به متن اصلی، حس چندگانگی زبانی متن را از آن میگیرد و خواننده بدون اینکه متوجه نکته ی اصلی متن، یعنی تعلق آن به زبان چیکانا است از آن میگذرد.

۴.۱.۳.۴ ترجمه با حفظ التقاط

کوارنتا ای اونو پدر سر مادرمان، سر مادرش سر هر کسی که احیانا گوش کند داد میزند کوارنتا ای اونو. این به آن معنیست که مادر بزرگ باید کنترل کانال تلویزیون قابل حملش را روی ۴۱ تنظیم کند و مادر دکمه ی ۴۱ تلویزیونش در آشپزخانه را فشار دهد.

در این جا در لحظه ی نخست ممکن است خواننده متوجه عدد نشود ولی با ادامه دادن جمله معنای آن را می فهمد و از طرف دیگر متوجه التقاطی بودن متن میشود. یعنی متوجه می شود جز زبان محوری متن زبان های دیگری که متعلق به اقلیت های زبانی هستند نیز میتوانند در متن وجود داشته باشد.

۲.۳.۴ مثال دوم

It was the cultural opinion of the times that men ought to be feos, fuertes, y formales. Narciso Reyes was strong and proper, but, no, he wasn't ugly» (TO: 103).

۱.۲.۳.۴ ترجمه مقصدگرا

این باور فرهنگی زمانه بود که مردها باید زشت، قوی و جدی باشند. ناریسو ریس قوی و برازنده بود اما نه، زشت نبود.

مجددا در اینجا میبینیم که التقاط فرهنگی زبانی حذف شده است.

۲.۲.۳.۴ ترجمه با پانویس

این عقیده ی فرهنگی زمانه بود که مردها باید فئو، فوئرته و فرمال باشند. ناریسیو ریس قوی و برازنده بود اما نه، زشت نبود. توضیح این کلمات در پانویس گرچه تلاشی در خور تحسین است، اما به دلایلی که قبلا از آن صحبت کردیم تنها به عنوان راه حلی نسبی میتوان از آن استفاده کرد.

۳.۲.۳.۴ ترجمه با توضیح درون متنی

این عقیده ی فرهنگی زمان، حد اقل بین دورگه های اسپانیایی زبان، بود که مردها باید زشت، قوی و جدی باشد. ناریسیو ریس قوی و برازنده بود اما زشت نبود. چنان که می بینیم این روش نیز التقاط زبانی را از بین میبرد و در عین حال از نظر ظاهری نیز به خاطر بسط متن ترجمه شده نسبت به متن اولیه، به روند ترجمه آسیب وارد میکند.

۴.۲.۳.۴ ترجمه با حفظ التقاط

این عقیده ی فرهنگی زمانه بود که مردها باید فئو، فوئرته و فرمال باشند. ناریسیو ریس قوی و برازنده بود اما نه، زشت نبود. در این جا گرچه وجود کلمات خوانش را دشوار می کند اما "دیگری" در آن برجسته می شود و خواننده ی فارسی زبان نیز متوجه میشود که زبان چیکانو یک زبان التقاطی است و برای فهم آن باید جست و جوگر باشد.

۴.۴ بررسی اعمال نظریات ترجمه التقاطی بر مثال های آن

این دو مثال از میان هزاران مثالی که در ترجمه ی متون التقاطی، که متون دنیای جدیدند، تلاش برای نشان دادن انواع بارز ترجمه هایست که از متون التقاطی انجام میشود. با این حال، تجربه نشان میدهد که در ایران، متون التقاطی عموماً به فارسی همگن، با حذف تمام نشانه های اقلیت زبانی ترجمه میشوند به گونه ای که هیچ اثری از مقاومتی که نویسندگان با استفاده از التقاط زبانی و ساختاری تلاش در نشان دادن آن دارد به چشم نمی خورد.

اما در سطح جهان، با پیشرفت علم ترجمه راه های دیگری در این حیطه باز شده است که در پی حفظ "دیگری" در متون التقاطی و احترام به تصمیم نویسنده در شکل نگارش اثر است. جایی که در آن تک زبانی و تک معنایی وجود ندارد و مترجم بیش از همیشه بر خویشتن خویش و "دیگری" بودن "دیگری" آگاه است. یعنی «متن التقاطی در جایگاه سومی بین دو زبان قرار میگیرد. در فضایی بین دو فرهنگ، چرا که زبان در آن پدیده ای بیناملیتی است چرا که در واقع فرهنگ پدیده ای بیناملیتیست». (بابا ۱۹۹۴: ۷۲)

اولین فشارها آن دسته ای هستند که حفظ التقاط متن در ترجمه بر مترجم تحمیل می شود. انتخاب اینکه مترجم می خواهد کجای طیف ترجمه که از آن صحبت کردیم قرار بگیرد و چقدر در این مهم موفق میشود، فشار زیاد بر او تحمیل میکند چرا که باید به صورت مداوم بر دیگری و نشانه های متنی دیگری به عنوان ادبیات مقاومت احاطه داشته باشد و ناخودآگاه با جابجا شدن روی طیف اثری نا متوازن ارائه ندهد.

دسته ی دوم مشکلات مترجم، مربوط به روابط قدرت نمادین بین دو زبان بر میگردد. فارغ از اینکه در متن التقاطی اولیه رابطه ی استعماری دو زبان چگونه است، همان رابطه یا برعکسش میتواند بین زبان اقلیت و زبانی که به آن ترجمه میشود وجود داشته باشد.

دسته ی سوم مشکلات در اینجا روابط موجود بین انتشارات، متخصصین این حیطه و منتقدین با مترجم است. در اینجا این عوامل نام برده شده شیوه ی ترجمه ای را به مترجم حقه میکنند که به عنوان ادبیات خوب و قابل پذیرش و حتی تحسین برانگیز در ادبیات مقصد است. چنانکه در مورد اول نیز بیان شد، مترجم در اینجا عموماً مجبور است با قواعد بعضاً ناگفته ی انتشارات و فضای ادبی ای که در آن کار میکند کنار بیاید تا به حاشیه رانده نشود و ترجمه اش به عنوان ترجمه ای خوب پذیرفته شده و از نظر مالی و سرمایه نمادین برای او موفقیت قلمداد شود.

مهم ترین چیزی که در این جا باید به یاد داشته باشیم اینست که هدف متون التقاطی حتی وقتی داستانی را روایت میکنند، عموماً صرف داستانگویی نیست. نویسندگان مختلفی که آثاری با متون التقاطی خلق میکنند، این کار را نه به خاطر ندانستن زبان جامعه ای که در آن زندگی میکنند بلکه با هدف مقاومت مقابل سلطه ی زبانی و صدای دیگری بی صدابودن است. پس ترجمه ی معطوف به زبان مقصد و حذف التقاط هدف نویسنده از خلق اثر از بین میبرد. در عین حال، اینکه مترجم باید چه تصمیماتی بگیرد و متن را چگونه

ترجمه کند سولاتیست که بارها در فضای انتزاعی جواب داده شده اند. چرا که بیش‌تر کسانی که به این سوالات پرداخته اند خود هرگز چیزی ترجمه نکرده اند. بنا بر این، در این‌جا صرفاً دو راهکار استنتاجی از تصمیماتی که مترجمان عموماً در مواجهه با متون التقاطی گرفته اند بیان میشود. با ارجاع مجدد به طیف ونوتی میبینیم دو سر این طیف یکی حذف کامل التقاط از متن اولیه و ترجمه‌ی آن به عنوانی متنی تکصدایی است که در آن "دیگری" تبدیل به "خودی" شده معنای مقاومت ساختاری و زبانی از متن حذف شده است. چنانکه دیدیم در نظریات معاصر مطالعات ترجمه این شیوه کاملاً رویکردی نفی شده است چرا که به معنی حذف مطلق نویسنده، سبک وی و هدف وی از خلق اثر است. سمت دوم طیف نیز ترجمه‌ی متن التقاطی به متن التقاطی است. این متن البته خوانش بسیار سختی دارد و در جوامعی مثل ایران که سرانه‌ی مطالعه در آنها بسیار پایین و خواننده عموماً به دنبال متونی ساده نویس در فضای کتاب است حتی در صورت ریسک ناشر برای سرمایه‌گذاری بر اثر میتواند به معنی حذف اثر از حیطه‌ی ادبی به دلیل فقدان خواننده باشد. البته هدف دراز مدت باید رسیدن به ترجمه التقاطی اثری از این نوع باشد ولی این نیاز به آگاهی‌سازی جامعه‌ی کم‌جمعیت کتابخوان به خواندن متونی باشد که ساختاری عمداً غیر روان-طبعاً نه آثاری که مترجم به دلیل عدم آگاهی به زبان آنها را غیرروان ترجمه کرده است- باشند ولی قبل از رسیدن به این هدف که رسیدن به جامعه‌ای با مترجم و خواننده‌ی متعهد به متن اصلی اثر است میتوان از راه‌های میانه‌ای مثل قراردادن زیر نویس، توضیحات مربوطه در مقدمه و موخره یا قرار دادن نمایه در کتاب مفهوم التقاط را کم‌کم نهادینه نمود تا خوانندگان با خواندن این متون به "دیگری" نزدیک شوند. برای مثال لیلیانا بالنزوئلا، ساندراسیسنروس مترجمین ادبیات چیکانا، دورا سالس مترجم آثار ویکران چاندررا، مانجو کاپور، واندانا سیگ و الیسون وانگ یا افریقا ویدال و روساریومارتین روانو مترجمین شوبا دی همگی در پایان کتاب نوشته‌ای به عنوان یادداشت مترجم میگذارند و در آن برای ارائه‌ی اطلاعات بیشتر راجع به بافتار تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری به خواننده در فضای مقصد و در فرهنگی متفاوت زندگی می‌کند و تجربه‌ای از دیاسپورا‌ی تولید متن ندارند می‌کوشند.

۵. نتیجه‌گیری

چنان‌که در متن این مقاله دیدیم استراتژیهای چند گانه ای برای ترجمه متون التقاطی وجود دارد که هر یک را میتوان تحلیل کرد و به دلایل انتخاب آن، ایدئولوژی پشت این انتخاب و کنش در قبال متن پی برد. همانگونه که قبلا اشاره شد، هنر، موسیقی، مد، آشپزی و چیزهایی از این دست هم میتوانند التقاطی باشند. در واقع امروزه این حیطه‌های مورد اشاره کاملا حیطه‌های التقاطی هستند که به راحتی پذیرفته شده اند در حالیکه در ادبیات خوانندگان هنوز مشکلات بسیاری با متون التقاطی دارند و استقبال از آن متأسفانه بسیار کم است. مترجمان نیز به نوبه‌ی خود به دلیل عدم استقلال یا فشار انتشارات و منتقدین، عموماً در هنگام ترجمه التقاط را از متون التقاطی میگیرند تا متون ساده‌تر خواننده شوند و طبعاً فروش بیشتری هم داشته باشند.

با این وجود هستند مترجمینی که به ترجمه به عنوان پرسشی آگاهانه از خود، یافت حقیقت خود، جریان فکری جویا، گشایش ناخودآگاه و نرسیدن از بازآفرینی حقیقت‌ها نگاه می‌کنند و باور دارند به اینکه حقیقت‌های موازی ممکن هستند و زندگی "خود" و "دیگری" گرچه در کنار هم زندگی میکنند، روایتی یگانه ندارند و نباید هم داشته باشند.

چرا؟ چون همانطور که گفته شد آثار ادبی در جهان امروز تبدیل به کالای نمادین شده‌اند و به سمت یک همگونی جهانی زیان به نفع استعمارگران فرهنگی حرکت می‌کنند. پس مترجم در هنگام ترجمه متن التقاطی باید کاملاً هوشیار باشد که در حال ترجمه‌ی درد، حرف و بودن دیگرست، و باید فضای چندگانه‌ی پویایی که او را احاطه کرده و نه فضای هدایت شده توسط صاحبان قدرت و سلطه واقعی یا نمادین را دائماً تحلیل کند.

شکل ایده آل ترجمه آن است که بین مترجم و سایر عوامل درگیر در شکل گرفتن اثر ترجمه شده که پیشتر از آنها صحبت کردیم یعنی انتشارات و متخصصین در فرایند چاپ یک اثر ارتباط و همکاری وجود داشته باشد. گرچه این ممکن است آرمانی به نظر برسد، موارد زیادی از این همکاری اتفاق افتاده است.

در حال حاضر در مقابل پیچیدگی متون التقاطی هر روز در جهان مترجمین بیشتری این احساس را دارند که باید از منابع میان متنی برای ارائه اطلاعات به خواننده استفاده کنند و به جای نزدیک کردن متن به خواننده با حذف عناصر ساختاری و معنایی، برای خواننده

توضیح بدهند چرا این متون را به این صورت ترجمه کرده اند و دشواری‌ها و لزوم این نوع ترجمه را به خواننده یادآور شوند. یعنی رابطه‌ای پویا بین متن و خواننده و بین مترجم و خواننده باید شکل بگیرد. به این ترتیب خواننده کم‌کم آگاه شده چنانکه پیشتر گفتیم از موقعیت مفعول به فاعل تغییر مکان دهد.

در این شرایط آرمانی که از آن سخن رفت، ترجمه فرایندی زنده و پویاست و آگاهی سبب استقبال از ادبیات و فرهنگ التقاطی میشود. برای رسیدن به این جامعه، ما مترجم‌ها باید محیط بازی ایجاد کنیم که فرهنگ‌های مختلف غیر استعماری که همواره گفتمان‌شان حذف شده است به آن وارد شوند، در آنجا باهم ارتباط برقرار کنند، به هم نزدیک یا باهم ترکیب شوند تا از حذف و فراموشی‌شان جلوگیری گردد به گونه‌ای که "خودی" و "دیگری" و وحدت و کثرت در حیطه‌ی پلورالیسم فرهنگی در کنار هم قرار بگیرند. در واقع این به معنی حرکت به جلو بر اساس ترجمه‌ی اخلاق مدار است. ما میتوانیم دائماً به دنبال فرمول‌هایی جدید برای ترجمه‌های اخلاق مدار باشیم. و نه فقط برای ترجمه‌ی "دیگری" بلکه به همچنین برای ترجمه خویشتن خویشمان. و این نه فقط به شناخت دیگری که به شناختی که از هویت خودمان داریم هم کمک میکند. وقتی با گوش شنوا، علاقه به یادگیری به "دیگری" نزدیک شویم، او نیز خود را بر ما می‌گشاید و به ما کمک می‌کند تا خود را از نگاه دیگری و در یک رابطه‌ی برابر ببینیم و بازشناسیم.

تاکتیک‌های جدید مقاومت که از طریق تلاش برای برقراری گفتگو از موضع برابر، یا تلاش برای اتخاذ موضع برابر پیاده میشوند، نشان میدهند محیط‌های فرهنگی متفاوتی وجود دارند و که راههایی برای رسیدن به گفتمان چندگانه در این فضا در حال تولد هستند که از موقعیت‌های مختلف، از قلب میراث استعماری، از نابرابری قدرت و شناخت، از دانش‌های فرا فرهنگ سازانه، از زبان، اقتدار، فرو دستی، به حاشیه رانده شدگی و به سکوت واداشتنی مداوم که نتیجه‌ی تک فرهنگی و منطق غرب غالب است به سمت گفتمان پسااستعماری، برابری موقعیت‌ها، زبان‌ها، حرکت به سمت متن از حاشیه، پذیرفته شدن در عین "دیگری" بودن حضور چندگانه در یک محیط، و در نهایت به سوی صدا بخشیدن به غیر غربی مغلوب خواهد بود.

متون التقاطی، ادبیات چیکانو و نقش مترجم ... (جیران مقدم چرکاری) ۱۶۳

پی‌نوشت

۱. این مقاله براساس شیوه‌نامه دوره قبل ارزیابی شده و براساس شیوه‌نامه جدید لزوماً مورد قبول نیست.

کتاب‌نامه

- بهار، محمد تقی، ۱۳۶۹ سبک‌شناسی ج ۱، تهران: امیر کبیر
- فرحزاد، فرزانه (۱۳۹۴)، فرهنگ جامع مطالعات ترجمه، ذیل مدخل هیبریدی، تهران: نشر علمی
- Álvarez Rodríguez, Román y Vidal Claramente, María del Carmen África, eds. (1996), *Translation, Power, Subversion*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Álvarez Rodríguez, Román y Vidal Claramente, María del Carmen África (1995), *Xenofobia y literatura: los nuevos cánones de las instituciones académicas y su relación con el Poder. En el espectáculo de la cultura: Gran Bretaña y España ante el fin de siglo*, Salamanca: Plaza Universitaria.
- Bassnett, Susan & Trivedi, Harish, 1999, *Introduction: of colonies, cannibals and vernaculars in Post-colonial translation: theory and practice*, Susan Bassnett & Harish Trivedi (Eds.) London; New York: Routledge
- Berman, Antoine (1985), *La traducción et la lettre ou l'auberge du lointain*, Paris: Seuil
- Bhabha, Homi (2004), *The Location of Culture*, Routledge; New York
- Bhabha, Homi 1990, *Nationalism, Colonialism, and Literature*, Minnesota: University of Minnesota Press
- Cisneros, Sandra (2003), *Caramelo o Puro cuento*, London : Bloomsbury, .
- Clifford, Richard J. (1999), *Proverb: A Commentary*, Louisville :Westminster John Knox Press
- Gentzler, Edwin & Tymoczko, Maria eds. (2002), *Translation and Power*, Amherst: University of Massachusetts Press.
- Hurtado Alvir, Amparo (2001), *Traducción y Traductología: Introducción a la traductología* Madrid: Cátedra.
- Lefevre, Andre & Bassnet, Sussan(1998), *Constructing Cultures: Essays on Literary Translation*, London: Multilingual Matters
- Leal, Luis., & Fuentes, Victor. (1997). *Una vida y dos culturas. Conversaciones con Víctor Fuentes*. Bilingual Review / La Revista Bilingüe, vol.22 n.2, <http://www.jstor.org/stable/25745387>

- Mercer, Kobena (1988), *Diaspora Culture and the Dialogic Imagination* in: Mbye Cham y Claire Watkins (eds.), *Blackframes: Critical Perspective on Black Independent Cinema*. Cambridge: MIT Press.
- Pratt, Mary Luis (1992), *Imperial Eyes: Travel Writing and Transculturation*, London: Routledge
- Sales, Dora & Pinto, Maria (2016), *Pathways into Information Literacy and Communities of Practice: Teaching Approaches and Case Studies*, Amsterdam: Chando Publishing
- Sales, Dora (2006), *Traducción, género y poscolonialismo: compromiso traductológico como mediación y affidamento femenino*, Revista de traducción Cuaderno, n.13 p. p. 21-30,
- Talens, Manuel (2001), *Rueda de tiempo*, Barcelona: Tusquets Editores S.A.
- Valenzuela Arce, José Manuel (2002), *De migras y migraciones. Diásporas, ciudadanía y nación (latino)americana* en García Canclini, Néstor ed. *Iberoamérica, Diagnóstico y propuestas para el desarrollo cultural*, México DF: OEA/Santillana
- Venuti, Lawrence, 1998, *The Scandals of Translation: Towards an Ethics of Difference*, London: Routledge
- Vidal Claramonte, M. Carmen África (2014), *Translating Hybrid Literatures From hostipitality to hospitality in European Journal of English Studies*, n.18, Issue 3: Translation and Etnicity, Online magazine:
<https://www.tandfonline.com/toc/nej20/current>